

مهدی سامع

mehdi_samee@yahoo.com

از همان روز پنجشنبه ۱۶ آبان که صالح نیکبخت و کیل هاشم آقاجری اطلاع داد که موکلش به اتهام توهین به اسلام، توسط بی دادگاهی در همدان محکوم به مرگ شده است، موجی از تنفر و انزجار در ایران و سراسر جهان، علیه این حکم جابرانه و علیه استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما گسترش یافت. هزاران تن از دانشجویان و استادان دانشگاههای سراسر کشور ضمن اعتراض به حکم بی دادگاههای تفتیش عقیده، تنفر و انزجار خود را با شعارهایی همچون «رهبر برو گمشو»، «انصار برو گمشو» و «این آخرین پیام است، جنبش دانشجویی آماده‌ی قیام است»، اعلام کردند.

در نیمه راه این موج گسترش یابنده، سید علی خامنه‌ای روز ۲۰ آبان در جلسه سران رژیم به مناسبت آغاز ماه رمضان گفت: «عمده ابزار رهبری هم برای این که این مقاصد عالی، مقاصد والای نظام جمهوری اسلامی تأمین بشود، همین مجاری قانونی است، یعنی ۳ قوه، قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضاییه.» وی سپس زبان به تهدید گشود و گفت: «البته مواجهه شدن با مشکلات بزرگی که قوای سه‌گانه نتوانند، نخواهند، نکنند، اونوقت مواجهه شدن با این مشکلات با نیروی خود مردم خواهد بود که این رو امیدواریم هیچ وقت پیش نیاد که رهبری احساس احتیاج کنه که بایستی نیروی مردم رو وارد میدان کنه، برای این که یک مشکل را برطرف بکنه و یا یک کار بزرگی رو تحقق ببخشه.»

اما تظاهرات هزاران تن از دانشجویان و استادان دانشگاههای کشور و به ویژه اجتماع بزرگ دانشجویان و جوانان در روز سه‌شنبه ۲۱ آبان با شعارهایی چون «رهبر برو گمشو»، «انصار برو گمشو» خامنه‌ای را مجبور به یک عقب‌نشینی مقتضحانه نمود. روزنامه جمهوری اسلامی (روزنامه ولی فقیه) از منابع موثق کسب اطلاع کرده است که روز شنبه ۲۵ آبان، خامنه‌ای در پاسخ به نامه تعدادی از اساتید دانشگاه (که ظاهراً برای خروج ولی فقیه از بن بست این نامه را نوشته‌اند)، در ذیل آن به رئیس قوه قضائیه دستور داده با توجه به این درخواست، دادگاه تجدیدنظر این پرونده را بررسی نماید. این روزنامه پیش‌بینی کرد که حکم اعدام در دادگاه تجدیدنظر، لغو خواهد شد. روز بعد مهدی کروبی بابت آن از ولی فقیه تشکر کرد و گفت: «مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه‌ی اساتید دانشجویی مرقوم فرموده‌اند که؛ دادگاه تجدیدنظر به موضوع و اتهام آقاجری دقت کند.»

این درحالی است که همزمان در همین روز ۲۵ آبان خبرگزاری دانشجویان ایران متن نامه روح‌الله حسینیان، رئیس موسسه اسناد انقلاب اسلامی و یکی از آمران قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای به رییس مجلس ارتجاع را پخش نمود. روح‌الله حسینیان که حرفهای دانش‌آموختگان مدرسه حقانی که در بیت رهبری نفوذ قابل توجهی دارند را منعکس می‌کند در این نامه می‌نویسد: «سخنرانی پیش از دستور جنابعالی در مورخ ۱۹ آبان ۱۳۵۸ در مجلس را ملاحظه کردم. به پاس محبت‌های بی‌دریغ جناب عالی که همواره شامل حال اینجانب بوده بر آن شدم تا از باب ارادت خالصانه و محبت خیرخواهانه که بی‌شک از مصادیق "النصیحه لائمه

المسلمین" است نکاتی چند را تذکر دهم تا شاید مسوولیت خود را در مقابل نظام برآمده از صدها هزار شهید تاریخ تشیع ایفا کرده باشیم.» وی سپس به خمینی که اکنون هر یک از سردمداران رژیم به نوعی اندیشه های او را لگدمال می کنند استناد می کند و ادمه می دهد: «آیا فراموش کرده اید که هنگامی که بچه های مذهبی به مکتبی شهرت پیدا کردند و منافقان، مکتبی بودن را به استهزاء گرفتند، امام چه عکس العملی نشان داد؟ امام فرمودند: «تا گفته می شود مکتبی آقایان مسخره می کنند. مکتبی یعنی اسلامی. آن که مکتبی را مسخره می کند اسلام را مسخره می کند. اگر متعهد باشد مرتد فطری است و زنش برایش حرام است. مالش هم باید به ورثه داده بشود. خودش هم باید مقتول باشد.» (صحیفه ی امام، ج ۱۴، ص ۳۷۶)». حسینیان در پایان روند گرایش به سرنگونی رژیم را به شیوه خود و نه آنگونه که به طور واقعی در جامعه در حال وقوع است را توصیف می کند و می نویسد: «اکنون با الطاف خداوندی، این گروه (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، چهره از نقاب خود برمی کشد و به زودی راه سلف خود را در رویارویی با نظام اسلامی در پیش خواهد گرفت و شما این واقعه ی حتمی را به تاخیر نیفکنید، پلی برای عبور اینان نگردید، خود را شریک تهاجم این گروه بر دژهای نظام اسلامی نکنید و بدانید به زودی خورشید حق از شفق برخواید تایید و شب فتنه انگیز را به عقب خواهد راند.»

اما نه عقب نشینی خامنه ای و نه حرکت های مفتضحانه بسیجی های مزدور ولایت خامنه ای، نتوانست جوانان ایران را از حرکت باز دارد و خیزش آنان همچنان ادامه دارد. در این میان دوم خردادها کوشش فراوان می کنند که این جنبش عظیم را در چارچوب دانشگاه های کشور نگه داشته و از پیوستن مردم به این جنبش اعتراضی که محتوای آن ضدیت کامل با استبداد مذهبی حاکم است جلوگیری کنند. در چنین شرایط بحرانی و به ویژه با چشم انداز پر تلاطمی که تصویب ۲ طرح خاتمی در مقابل جامعه قرار می دهد و با توجه با بحران انقلابی موجود طرح جبهه همبستگی ملی معنا و مفهوم پیدا می کند.

طرح پیشنهادی شورا پاسخ به مساله سرنگونی رژیم در این مرحله مشخص است. البته برای مبارزه و اتحاد برای رهایی مردم ایران، آن هم تحت حاکمیت یک استبداد مذهبی بی سابقه و در شرایط کنونی جهانی، نباید فکر کرد که مسیر رهایی یک اتوبان چند خطه با امکانات فراوان است، برعکس در مقابل ما راهی سخت، دشوار و پر تلاطم وجود دارد که زنان و مردانی می توانند این راه را طی کنند که در اندیشه و عمل به دنبال رهایی مردم باشد. از آنجا که این پتانسیل در مقاومت ما وجود دارد بنابراین این حرکت های سیاسی آن همگان را و منجمله خود نیروهای مقاومت را به چالش و آزمایش می کشد. این طرح یک ابتکار عمل مهم در مقابل بن بست کل رژیم، ناتوانی خامنه ای در اتخاذ یک خط مشی کلان و شکست پروژه اصلاح طلبان قلابی به طور عام و حرکت های مزورانه خاتمی به طور خاص است. در حقیقت در شرایطی که «جمهوری خواهی»، «دموکراسی» و «جدایی دین از دولت» به یک مساله عمومی که همه جا از آن صحبت می شود تبدیل شده، و در حالی که سقف اصلاح طلبان قلابی چیزی جز «مشروطه کردن ولایت فقیه» نیست، اعلام این طرح، پروژه قطب بندی در جامعه پیرامون این خواسته های عمومی را تسریع می کند.

از این رو ما و همه کسانی که برای دموکراسی، سکولاریسم، و رفع همه گونه اشکال تبعیض مبارزه می کنند باید به این طرح نه به شکل جز به جز، بلکه به مثابه یک پروژه بزرگ که کل جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد برخورد کنند.